



## هندسّون

عفت امانی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

شعرهای شفاهی کودکانه، بخشی از ادبیات عامیانه است که دهان‌به‌دهان گشته تا به میراث مکتوب رسیده‌است. پی بردن به معنای پاره‌ای از این اشعار و آگاهی از خاستگاه آنان دشوار است و گاه ضرورتی در دریافت آن دیده نشده‌است. بررسی و واکاوی در گویش‌های ایرانی شاید بتواند ما را دست‌کم در فهم دقیق برخی لغات این اشعار عامیانه یاری رساند. در شعر عامیانه «اتل متل توتوله» معنی عبارت «شیرشو بردن هندسّون» کاملاً شفاف به‌نظر می‌رسد. درحالی‌که، به گمان نگارنده مراد از هندسّون در این شعر، کشور یا سرزمین هندوستان نیست. این لفظ در بازی‌شعر کودکانه دیگری نیز که در دوان استان فارس رایج است، در بافتی که مراعات نظیر دارد، به‌کار رفته‌است: کاس کنار هندسّون / کاست بیار روغن<sup>۱</sup> بسون (سلامی ۱۳۸۱: ۳۳۷)، در فرهنگ‌های فارسی، هندوستان تنها در معنی معروف آن یعنی کشور هندوستان آمده‌است. در منابع مربوط به فرهنگ عامه نیز معنایی برای لفظ هندسّون نیامده و به ذکر گونه‌های رایج این شعر در شهرها و فرهنگ‌ها و گویش‌های گوناگون بسنده شده‌است. در پرس‌وجو با استادان حوزه مردم‌شناسی و فرهنگ عامه نیز

۱. در این جا روغن نیز از فراورده‌های لبنی است.

به‌جز معنی رایج چیزی به‌دست نیامد. ازاین‌رو، منابع گویشی بررسی شد. در منابع گویشی مورد مطالعه نیز به‌جز لفظ هندوستان در برابر واژه «هندسُون/ هندستون» و گونه‌های آوایی دیگر، معنی دیگری نیامده‌است.

به نظر نگارنده، بخش نخست لغت هندسُون با لغت خوانساری هندو /hendu/ به معنی «شیرواره» (اشرفی خوانساری ۱۳۸۳: ۳۱۲؛ میرباقری ۱۳۹۵: ۱۵۶) مربوط است. این لغت در ترکیب شیرهندو /šir-hendu/ به معنی «شیرواره» و «نوبت جمع‌آوری شیر» (اشرفی خوانساری ۱۳۸۳: ۳۷۳) نیز به‌کار رفته‌است. همچنین صادق کیا (۱۳۹۰: ۵۳۹) در برابر لغت شیرواره در خوانساری /hendu/ آورده‌است. عمل شیر قرض دادن در برخی منابع نیز با گونه /hindu/ ضبط شده‌است (Eilers and Schapka 1976: 359). شیرواره سنتی رایج در بسیاری از فرهنگ‌ها و آبادی‌های ایران بوده‌است که در آن با نظم و اصولی مشخص، همسایه‌ها و عموماً زنان یا دامداران جزء با میزان دام کمتر، در نتیجه شیر کمتری دارند، در قالب گونه‌ای تعاونی سنتی، روزانه شیر دام خود را به هم قرض می‌دهند تا یک نفر بتواند در یک روز مشخص، میزان لبنیات بیشتری تولید کند و این چرخه می‌چرخد (برای آگاهی بیشتر نک: رسولی ۱۳۷۸: ۱۶۵-۱۷۷). نگارنده نیز لفظ هندسُون را در برخی فرهنگ‌های گویشی‌ای یافت که این سنت در آنها رایج است. گرچه این واژه در پی کم‌رنگ شدن سنت شیرواره منسوخ شده‌است، اما براساس پژوهش میدانی نگارنده در روستاهای خوانسار، این لفظ نزد کهن‌سالان شناخته شده‌است.

باتوجه‌به پسوند «استان»، که پسوند اسم مکان‌ساز است، هندسُون در این بازی‌شعرِ کودکانه، به معنی مکانی است که عمل هندو یا شیرواره در آن انجام می‌شود. افزون‌براین، به گمان نگارنده ممکن است که لفظ هندو در ترکیب با «آباد» یعنی هندوآباد، که جای‌نام برخی از آبادی‌های ایران است، با موضوع شیرواره مرتبط باشد. شایان ذکر است که در روستای هندوآباد اردستان عمل شیرواره سنتی رایج بوده‌است و به آن شیرپسویی /šir-pessui/ گفته می‌شود (خبازیان ۱۳۹۳: ۱۵۹ و ۴۲۱).

### منابع:

- اشرفی خوانساری، مرتضی، ۱۳۸۳، گویش خوانساری، تهران.  
خبازیان، علیرضا، ۱۳۹۳، هندوآباد برگی از کتاب اردستان، تهران.  
رسولی، غلامحسین، ۱۳۷۸، پژوهشی در فرهنگ مردم پیرسواران (ملایر)، تهران.  
سلامی، عبدالنّبی، ۱۳۸۱، فرهنگ گویش دوانی، تهران.  
کیا، صادق، ۱۳۹۰، واژه‌نامه شصت‌وهفت گویش ایرانی، تهران.  
میرباقری، صمد، ۱۳۹۵، فرهنگ لغت خوانساری به فارسی، تهران.
- Eilers, W., and Schapka, U., 1976, *Westiranische Mundarten aus der Sammlung Wilhelm Eilers, Band I, Die Mundart von Chunsar*, Wiesbaden.